



شیعه‌شناسان غربی از وجوه عقلانی و مبنایی مذهب تشیع غفلت کرده‌اند

شیعه‌شناسان غربی تحت تأثیر منابع اهل سنت و نیز کم‌کاری ما شیعیان در زمینه‌های اعتقادی، اغلب به تظاهرات مذهب تشیع پرداخته و به ندرت به رویکرد عقلانی کلام شیعی و از جمله در اصولی چون عدل و امامت توجه کرده‌اند.

شیعه‌شناسان غربی تحت تأثیر منابع اهل سنت و نیز کم‌کاری ما شیعیان در زمینه‌های اعتقادی، اغلب به تظاهرات مذهب تشیع پرداخته و به ندرت به رویکرد عقلانی کلام شیعی و از جمله در اصولی چون عدل و امامت توجه کرده‌اند.

به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، نشست «بررسی و تحلیل نظریه شیعه‌شناسی غرب در مورد نگرش کلامی شیعه دوازده امامی« با سخنرانی مریم صانع‌پور، عضو شورای علمی گروه غرب‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، عصر روز سه‌شنبه، ششم تیرماه در سالن حکمت این پژوهشگاه برگزار شد.

بنابراین گزارش، صانع‌پور در این نشست به بررسی و تحلیل نظریه شیعه‌شناسان غربی درباره شاخص‌ترین اصول کلامی شیعه دوازده امامی، یعنی عدل و امامت پرداخت و اظهار کرد: مسئله عدل (شامل عدالت خداوند و عدالت فردی و اجتماعی) در اندیشه شیعی، با توجه به حسن و قبح عقلی، نمی‌تواند جدای از عقل‌محوری مطرح شود. این عدل مبتنی بر عقل‌محوری در شیعه مبنای عبودیت است و در سیره پیشوایان دینی و روابط میان‌فردی بسیار بر آن تأکید می‌شود.

وی همچنین به مسئله امامت به عنوان یکی از شاخص‌ترین اصول مبنایی شیعه اشاره کرد و با بیان این که تأکید بر حیات جسمانی امام، نشانگر توسعه‌یافتگی و پویایی آموزه‌های شیعی است، اظهار کرد: دو قرائت کاملاً متعارض از شیعه‌شناسی وجود دارد: نخست شیعه عقل‌محور، انتقادپذیر، پویا، عدالت‌محور و ظلم‌ستیز است که عامل وحدت مسلمانان با یکدیگر و نیز اهل کتاب است و رویکرد دیگر، شیعه عقل‌گریز، انتقادگریز و خرافاتی است که با مد نظر قرار دادن شعائر ظاهری صرف، منشأ اختلاف و تفرقه حتی در بین مذاهب اسلامی است.

این محقق و پژوهشگر در ادامه به بیان سخنانی درباره جایگاه عقلانیت در تشیع پرداخت و افزود: بحث‌های عمیق فلسفی در قرآن و میراث بازمانده از پیامبر (ص) و معصومین (ع) مطرح شده و از میان مذاهب اسلامی، شیعه از بیشترین عقلانیت برخوردار است و از همین روی بوده که شیعیان همواره آمادگی بیشتری برای پذیرش فلسفه داشته‌اند و نهضت ترجمه نیز در میان شیعیان پذیرش و تأثیرات بیشتری داشت.

وی با اشاره به این‌که به واسطه تلاش‌های فلاسفه شیعه، فلسفه مقبول عقل، شرع و ذوق شد، تصریح کرد: علامه طباطبایی نقل می‌کند که تعداد مباحث فلسفی راه یافته از فلسفه یونان به دنیای اسلام 200 مسئله بود و فلاسفه مسلمان که اکثر آنان شیعه بودند، تعداد آن را به 700 مسئله رساندند. با این حال به سبب آن‌که تماس و آشنایی غربیان با اسلام عموماً با منابع اهل سنت حاصل شده بود و آنان تفکر فلسفی در میان مسلمانان را خاتمه یافته تلقی می‌کردند.

عضو شورای علمی گروه غرب‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، با اشاره به اصل عدل و اعتدال در شیعه عنوان کرد: این اصل از اصول عقلایی و فطری است که هم خالق و هم مخلوق را دربرمی‌گیرد و از حسن و قبح عقلی اخذ شده است. عقلانیت زیربنایی‌ترین اصل اعتقادی شیعه و از ذاتیات آن است. همچنین ضرورت وجود امام در همه دوران‌ها اثبات می‌کند که امام، تجسم عدل و اعتدال اسلامی بوده و ریشه امامت نیز در عقلانیت است.

وی سپس گزارش کوتاهی از سیر تاریخی عقل‌گرایی در جهان اسلام و به ویژه تشیع بعد از غیبت حضرت امام عصر (عج) پرداخت و گفت: عقلانیت شیعی در زمان آل بویه بیشترین ظهور را داشت و شواهد نشان می‌دهد که تشیع بیشتر از تسنن در به روی اندیشه‌های دیگر و به‌ویژه عقلانیت یونانی گشوده است و البته به قول کرامر مبنای دین اسلام مانع یونانی‌مآبی شده است.

صانع‌پور در ادامه به گزارش کوتاهی از سیر اسلام‌شناسی در غرب از قرن نوزدهم تاکنون پرداخت و اظهار کرد: غربیان در ابتدا با تأکید بر تاخت و تاز مسلمانان علیه مسیحیان در مناطقی چون اندلس و ... حاضر نبودند تا به گونه‌ای هم‌دلانه با اسلام مواجه شوند و حتی پیامبر اسلام (ص) را پیامبری دروغین و ضدمسیح معرفی می‌کردند و سال‌ها طول کشید تا به تدریج به جست‌وجوی وجوه انطباق اسلام و مسیحیت بپردازند.

وی در ادامه به بررسی برخی از آراء و اندیشه‌های شیعه‌شناسان غربی مانند گلدزیهر، براون، دونالدسون، ماسینیون، کربن، مادلونگ، باراشر، کهل‌برگ، ونزبرو، بوکلی، مونتگمری وات، وینترز، نیومن و ... درباره شکل‌گیری تشیع و برخی از عقاید شاخص آن مانند وصایت

پیامبر(ص)، ظهور منجی،... در دو حوزه تاریخی و پدیدارشناسانه پرداخت.

این محقق و پژوهشگر در بخشی از سخنان خود با اشاره به رویکرد تاریخی صرف کسانی چون مونتگمری وات و رویکرد پدیدارشناسانه صرف امثال هانری کربن اظهار کرد: رویکرد تاریخی صرف و پدیدارشناسانه صرف این دو شیعه‌شناس در تبیین باهم قرار گرفته‌اند. «رفیوری» بر آن است که بهترین روش حل این مسئله را باید در روش «پدیدارشناسی تاریخی» میرچا الیاده جست‌وجو کرد که این‌گونه مباحث را هم در زمان و هم در زمینه مورد بررسی قرار می‌دهد.

وی با اشاره به این‌که بر اساس نظر رفیوری چارچوب الیاده تحقیقات شیعه‌شناسانه یکپارچه می‌شوند، تصریح کرد: در نگاه وات، امامت معلول شرایط خاص بوده و در نگاه کربن امامت علت شرایط خاص اجتماعی است و پذیرش نظریه نخست برابر با انکار نظریه فراتاریخی کربن است و در الگوی الیاده، یعنی نگاه پدیدارشناسی تاریخی این دو رویکرد را می‌توان جمع کرد.

عضو شورای علمی گروه غرب‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در بخش دیگری از سخنان خود گفت: در آرای شیعه‌شناسان غربی تحت تأثیر منابع اهل سنت و نیز کم‌کاری ما شیعیان در زمینه‌های اعتقادی تشیع، اغلب به مظاهر بیرونی و تظاهرات مذهب تشیع پرداخته شده و به ندرت به مباحث کلامی و به‌ویژه مباحثی چون وجه عقلانی و نظریه امامت توجه شده و کسانی چون مادلونگ و تاحدی کربن، در این زمینه استثناء محسوب می‌شوند.

وی ادامه داد: شیعه‌شناسان غربی با نگاهی پراگماتیستی به نمودهای اجتماعی امامت توجه کرده و به بعد کلامی و مبنایی تشیع نپرداخته‌اند. واقعیت آن است که استدلال‌های عقلانی در اصول اعتقادات اولین مؤلفه تشیع است که واقعاً مغفول واقع شده‌اند. پس از آن عملکرد اخلاقی است و در مراتب بعد است که نوبت به احکام و شعائر واجب و سپس شعائر مستحب می‌رسد.

صانع‌پور تصریح کرد: متأسفانه ما کاملاً بالعکس عمل کرده و به وجه عقلانی و مستدل اصول اعتقادات شیعه توجهی نکرده‌ایم. به تعبیری ما پوستین را وارونه پوشیده‌ایم و صورتی بدون محتوا و پوسته‌ای بدون هسته از شیعه معرفی کرده‌ایم و حال که خود با دین و مذهب خود چنین برخوردی داشته‌ایم، از شیعه‌شناسان غربی چه انتظاری می‌توانیم داشته باشیم!